

حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال ہشتم، شمارہ ۲۶ / ۲۱۳ بہمن ۱۴۰۲ / ۱۵ فوریدہ ۲۰۲۴

پدیدہ بے خانمانہ در ایران



در این شماره می‌خوانید:

پدیده بی‌خانمانی در ایران

گسترش روز افزون کارتن خوابی در ایران و ناکارآمدی

حکومت

حقوق بی‌خانمان‌ها در قوانین ایران

حقوق بی‌خانمان‌ها در قوانین ایران

بی‌خانمان‌ها، بی‌صدایانی به دلیل فقر مجازات می‌شوند

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی جواد، عباسی توللی و سیروان منصوری

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

پدیده بی خانمانی در ایران



محمد مقیمی

بی خانمانی یکی از مشکلات جوامعی بشری بوده است. این معضل در زندگی سنتی (قبیله، عشیره یا خانواده گسترده) راهکارهای خاص خود را داشته است، ولی در زندگی مدرن و با افزایش جمعیت، نوع رویارویی با این مشکل تغییر کرده و گاه چالش برانگیز می شود. این چالش در جوامع در حال گذار بغرنج تر می گردد. اگرچه، بی خانمانی در کشورهای فقیر و توسعه نیافته بیشتر است، اما همه جوامع بشری از جمله کشورهای ثروتمند و توسعه یافته نیز با این معضل اجتماعی دست به گریبان هستند. البته در هر جامعه ای وضعیت بی خانمان ها متأثر از عواملی مانند ثروت، جمعیت، نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آن بویژه نحوه برقراری عدالت اجتماعی، خواهد بود. برای نمونه، در کشورهایی که به علت جمعیت کم، ثروت زیاد و ساختار کارآمد عدالت اجتماعی از رفاه بهتری برخوردار هستند، بی خانمان ها نیز در وضعیت مناسب تری بسر می برند، ولی هیچگاه بی خانمانی به صفر نمی رسد. بی خانمانی چیست و چرا در همه جوامع اعم از غنی، فقیر، توسعه یافته و توسعه نیافته وجود دارد؟ در رویارویی با پدیده بی خانمانی چه باید کرد؟ آیا این پدیده جرم است یا ناشی از ناتوانی یا بیماری است و نیازمند به اقدام های حمایتی است؟ برخی این پدیده را جرم و قابل مجازات می پندارند، در حالی که گروهی

دیگر آن را پدیده ای می دانند که اشخاص درگیر آن مستحق حمایت هستند. نگارنده بر این باور است که پدیده بی خانمانی به خودی خود، جرم نیست، بلکه بی خانمانان اشخاص آسیب پذیری هستند که نیازمند اقدامات حمایتی از سوی دولت و جامعه هستند. بنابراین، جرم انگاری پدیده بی خانمانی خلاف اصول حقوقی، عدل و انصاف است و موجب بغرنج تر شدن وضعیت این اشخاص و جامعه می شود. در این نوشتار نگاهی کوتاه می شود به تعریف پدیده بی خانمانی، انواع و علل آن، نگاه های غالب به آن و چگونگی مواجهه با این پدیده.

بی خانمان یا بی سرپناه به کسانی گفته می شود که خانه و سرپناهی دائمی برای زندگی و آسایش ندارند. افراد بی خانمان اغلب از داشتن و حفظ مسکن مناسب، امن، ایمن و متعارف محروم اند.^۱ بر مبنای تعریف خیریه ملی بی خانمان های بریتانیا، خانه صرفاً یک فضای فیزیکی نیست بلکه علاوه بر این ریشه ها، هویت، احساس امنیت و حس تعلق را در فرد ایجاد می کند و مکانی برای بهزیستی عاطفی است.^۲ بی خانمانی در برخی از کشورها از جمله بریتانیا مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است، ولی این پدیده در ایران هیچگاه از سوی قانونگذار حمایت نشده است و بطور کلی، پدیده بی خانمانی در کشورهایمانند ایران بسیار بغرنج تر است. با توجه به تعریف نشدن بی خانمانی در ایران از سوی قانونگذار و نظر به اینکه در قوانین گوناگون از جمله طرح شناسایی و جمع آوری افراد متکدی مصوبه ۱۳۸۷ به جمع آوری متکدیتان، ولگردان و معتادان تاکید شده، و ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز تکدی گری و ولگردی را جرم دانسته و برای آن ۱ تا ۳ ماه حبس تعیین

1 -United States Department of Housing and Urban Development, "Federal Definition of Homeless" Archived 4 September 2009 at the Wayback Machine.

2 -United Kingdom charity Crisis

کرده است، می‌توان گفت در ایران در عمل بی‌خانمانی، مترادف تکدی‌گری، ولگردی و اعتیاد قلمداد و جرم شناخته می‌شود. این نگاه به پدیده بی‌خانمانی نه با نظام سنتی مطابقت دارد و نه موازین زندگی مدرن همخوانی دارد. در نظام سنتی؛ قبیله، خانواده گسترده یا خانواده از اشخاص بی‌خانمان حمایت می‌کرده و آنان را پناه می‌دادند. در زندگی مدرن نیز قانون، دولت و سمن‌ها^۳ این اشخاص را حمایت می‌کنند. در واقع، جامعه کنونی ایران به علت در حال گذار بودن، هیچیک از نهادهای سنتی یا مدرن حمایتگر را ندارد، در نتیجه قانون، حکومت و جامعه نه تنها هیچ حمایت کارآمدی از اشخاص بی‌خانمان نمی‌کنند، بلکه حکومت با مجرم قلمداد کردن آنان، زمینه آسیب رساندن بیشتر به این قشر را فراهم می‌کند.

بی‌خانمان‌ها در مسافرخانه‌ها (به مدت طولانی)، پناهگاه مخصوص بی‌خانمان‌ها، گرم‌خانه‌ها، پارک‌ها، کنار خیابان‌ها، مکان‌های امن مخصوص قربانیان خشونت خانگی، گور، خودرو، چادر، خانه‌های متروکه، خرابه‌ها، خانه‌های ساخته شده با حلب، جعبه مقوا، فضای سبز حاشیه اتوبان‌ها، سرپناه‌های برزنتی، محل کار که مکان مناسبی برای سکنا نیست و مواردی از این قبیل اقامت شبانه دارند. اشخاص بی‌خانمان در معرض انواع خطرهای آسیب‌ها و آزارها قرار دارند، این آسیب‌ها در خصوص زنان و کودکان بی‌خانمان بسیار بیشتر دیده می‌شود.

بی‌خانمانی علل گوناگونی دارد، برخی از آن‌ها به شرح زیر است.

۱- اختلالات روانی

۲- اعتیاد به مواد مخدر، محرک یا مشروبات

۳- سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)

الکلی (البته اعتیاد به تنهایی علت بی‌خانمانی نیست، بلکه می‌تواند آن را تشدید کند)
 ۳- سفاقت به معنای حقوقی (سفیه در دانش حقوق به شخصی گفته می‌شود که دخل و تصرف مالی او عقلانی نیست)^۴
 ۴- جنگ یا بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله
 ۵- مهاجرت (ممکن است، در ابتدای مهاجرت برخی اشخاص بی‌خانمان شوند)
 ۶- فروپاشی خانوادگی (برای نمونه؛ به علت طلاق این موضوع ممکن است برای زوجین بویژه زنان یا فرزندان طلاق اتفاق بیفتد)
 ۷- پدر یا مادر بی‌خانمان یا اشخاص بدسرپرست
 ۸- عملکرد بد خانواده در زمینه اقتصادی
 ۹- بحران اقتصادی در کشور
 ۱۰- سیاست‌های نامناسب دولت در حوزه مسکن

این موارد می‌تواند با توجه به شرایط یک جمله بیشتر و متفاوت باشد. برای نمونه، در ایران متأسفانه بی‌خانمانی می‌تواند در خصوص دانشجویان نیز پیش بیاید، به یاد دارم زمانی که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران تحصیل می‌کردم، بسیاری از دانشجویان شهرستانی از خوابگاه محروم بودند و حتی شنیدم یک دانشجوی چند روزی در پارک شب را سپری کرده بود. این در حالی بود که خوابگاه‌های دانشگاه تهران در کوی دانشگاه خالی بود و به بهانه مسایل امنیتی از اقامت دانشجویان در آنجا جلوگیری می‌شد. فراموش نکنیم بی‌خانمانی می‌تواند برای هر شخصی رخ دهد، ولی بسیار از اشخاص می‌توانند از این بحران بیرون آیند، البته کمک قانون، دولت و سمن‌ها، در خروج از این بحران بسیار تأثیرگذار است. اما موضوع

زمانی بفرنج می‌شود که برخی اشخاص حتی با وجود یاری خانواده، قانون، دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد همچنان بی‌خانمان باقی می‌مانند. در واقع، این اشخاص به علت ناتوانی ناشی نوع شخصیت‌شان، بیماری، اختلال روانی، اعتیاد یا سفاقت (به معنای حقوقی آن) مستعد بی‌خانمانی هستند. در مواردی اگر دولت خانه‌ای را در اختیار بعضی از این اشخاص قرار دهد، در صورتی که در مالکیت خودشان باشد، آن را می‌فروشند و دوباره به حالت پیشین بازمی‌گردند، یا خانه را تخریب می‌کنند، یا از آن سوءاستفاده می‌کنند؛ برخی نیز ترجیح می‌دهند در خیابان‌ها زندگی کنند. در واقع، این گروه از اشخاص، معضل اصلی پدیده بی‌خانمانی هستند و کمک به آنان سخت و پیچیده است، بنابراین نوع کمک و حمایت از این اشخاص بسته به مورد باید متفاوت باشد.

بی‌خانمانی در اسناد بین‌المللی

در اوایل ماه فوریه سال ۲۰۲۰ میلادی و پیش از آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ در جهان، سازمان ملل متحد نخستین قطعنامه را برای تعریف بی‌خانمانی تصویب کرد. این قطعنامه دربرگیرنده یک مشوق رسمی و کتبی برای کشورهای عضو برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات معتبر در مورد پدیده بی‌خانمانی است. قطعنامه سازمان ملل متحد نقش کمیسیون آمار این سازمان را تقویت و بر «نیاز به انجام تلاش‌های هماهنگ برای شناسایی افراد بی‌خانمان» تأکید می‌کند. بنا بر گزارش سازمان غیردولتی «فاموین» که یک اتحاد جهانی در حوزه پدیده بی‌خانمانی است، این قطعنامه در پایان پنجاه و هشتمین جلسه کمیسیون توسعه اجتماعی به تصویب رسید که بر در دسترس بودن مسکن مقرون

۵- برای نمونه، ممکن است، پاتوقی شود برای استعمال مواد مخدر.

۴- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، چاپ هشتم، ص ۳۳۹.



آنها در رفع یا دست کم کاهش پدیده بی‌خانمانی در جهان شود.^۶

همچنین، روز ۱۰ اکتبر از سال ۱۹۸۶ تاکنون با نام «روز جهانی بی‌خانمانی» از سوی «برنامه اسکان بشر» سازمان ملل متحد، برگزیده شده است.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته که به تحقق حقوق بشر نیز اهمیت می‌دهند. برنامه‌های گوناگونی به فراخور نوع و علت بی‌خانمانی برای حمایت از این اشخاص وجود دارد. برخی از آنها را به شرح زیر برمی‌شماریم.

- ۱ - اسکان در مسافرخانه‌های مخصوص
- ۲ - اختصاص بخشی از برنامه‌های مسکن رایگان دولت به افراد بی‌خانمان بصورت تبعیض مثبت^۷
- ۳ - اختصاص مسکن رایگان از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها ملی یا محلی
- ۴ - کمک کلیساها

۵ - پرداخت کامل یا بخشی از هزینه اجاره مسکن از سوی دولت

۶ - اسکان در پناهگاه‌های مخصوص (این مورد برای اشخاصی استفاده می‌شود که به دلایلی که پیشتر اشاره شد، توانایی و صلاحیت دریافت مسکن مستقل را ندارند)

این راهکارها به کمک قانون، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌های ملی یا محلی و با توجه به نوع و علت بی‌خانمانی اشخاص در اختیار آنان قرار می‌گیرد. برای نمونه، اعطای مسکن بصورت تبعیض مثبت از سوی دولت یا سازمان‌های مردم‌نهاد به اشخاصی اختصاص می‌یابد که علت بی‌خانمانی آنان ضعف و ناتوانی نبوده بلکه

به دلایلی مانند بلای طبیعی، جنگ، مهاجرت یا فروپاشی خانوادگی بی‌خانمان شده‌اند و توان مدیریت مستقل زندگی خود را دارند، یا اشخاصی که توانسته‌اند در برنامه‌های توانمندسازی بر مشکلاتی مانند اعتیاد، اختلالات روانی، ضعف در مدیریت مالی و غیره چیره شوند.

در کنار سمن‌ها و خیریه‌ها، وکلای دادگستری نیز می‌توانند نقش بسزایی در یاری رساندن به اشخاص بی‌خانمان ایفاء کنند. برای نمونه؛ «وکلاهی خیابان» بزرگ‌ترین و هم‌زمان کم‌درآمدترین دفتر وکالت در ایتالیا است. این مرکز خدمات حقوقی در سال ۲۰۰۰ در شهر بولونیا (شمال ایتالیا) برای حمایت از بی‌خانمان‌هایی تاسیس شد که به دلیل نداشتن

6 - <https://vfhomelessalliance.org/2020/06/24/first-un-resolution-on-homelessness/>

۷- در صورت وجود نابرابری‌های قبلی یا وجود ضعف و نقصان و برای جبران آنها بطوراستثنایی و گاه موقتی، تبعیض اعمال می‌گردد. برای نمونه، دریافت دستمزد برای دوران بارداری و خطر زایمان، یا کمک به معلولان، اقلیت‌ها، سالمندان، آسیب‌دیدگان، بی‌خانمان‌ها و اسرای جنگ که به این رفتار نابرابر، تبعیض مثبت گفته می‌شود.

تغییر فرهنگی است. برای نمونه، اطلاق نام کارتن‌خواب به اشخاص بی‌خانمان اگرچه در فرهنگ غیررسمی، شایسته نیست. در واقع، باید نگاه مسئولان و مردم نسبت به پدیده بی‌خانمانی تغییر کند. برای نمونه، در ایران بسیاری از خیران و نهادهای مردمی به بی‌خانمانان کمک می‌کنند. صرف‌نظر از اینکه این کمک‌ها منحصر به توزیع غذا و لباس به آنان است، غالباً نیز به شکل صدقه دادن انجام می‌شود، یا در خیابان به آنان غذا داده می‌شود، در حالی که این کار را می‌توان با اختصاص مکان‌هایی برای این منظور و رعایت احترام به شخصیت و حریم خصوصی این اشخاص انجام داد. ورود به جزئیات این موضوع در این مختصر نمی‌گنجد، ولی کشورهایی که به حقوق بشر اهمیت می‌دهند، تجربه‌های ارزنده‌ای در این زمینه دارند که می‌توان از آنها بهره جست.

برای سامان بخشیدن به وضعیت بفرنج اشخاص بی‌خانمان در کشورمان موارد زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- ۱_ در گام نخست، باید این پدیده و علل آن را شناخت (آموزش و پژوهش).
- ۲_ وضع قوانین و اتخاذ سیاست‌های مناسب درباره بی‌خانمانان (قوانین و سیاست‌های حمایتی از جمله توانمندسازی و اعمال تبعیض مثبت).
- ۳_ مشارکت مردم در قالب خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و محلی.
- ۴_ آموزش مجموعه اصولی به کارکنان یا داوطلبانی که به بی‌خانمانان یاری می‌رسانند.

آدرس، از حق برخورداری از وکیل محروم بودند. فعالیت‌های وکلای خیابان اینک در سراسر این کشور گسترش یافته است.^۸ مشابه این نهاد می‌تواند با ابتکار عمل وکلای دادگستری کشورمان ایجاد شود. اگرچه وضعیت قانونی و حقوق بی‌خانمان‌ها در ایران بسیار بفرنج بوده و قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته که به حقوق بشر اهمیت می‌دهند نیست، ولی این می‌تواند آغاز یک پویا برای بی‌خانمان‌ها در ایران باشد و دست کم حقوق کنونی آنان را پیگیری کند.

موضوع بسیار مهم دیگر این است که کمک به اشخاص بی‌خانمان باید با حفظ کرامت انسانی آنان صورت گیرد. این موضوع، نیازمند

۸- «وکلاهی خیابان» به بی‌خانمان‌ها در ایتالیا مشاوره رایگان می‌دهند Euronews | <https://parsi.euronews.com/2021/11/19/italy-street-lawyers-offer-free-legal-advice-to-the-homeless>

گسترش روز افزون کارتن خوابی در ایران و ناکارآمدی حکومت گفت‌وگو با شیرین عبادی



جواد عباسی توللی

در این بین، نهادهای دولتی نه تنها راهکاری برای حل بحران بی‌خانمانی در کشور ارائه نکرده‌اند بلکه به طرز غیر انسانی و ظالمانه‌ای، طرح‌هایی نظیر «عقیم سازی زنان خیابان خواب» یا بازداشت خشونت‌آمیز افراد بی‌خانمان تحت عناوینی نظیر جمع‌آوری معتادان متجاهر یا مقابله با تکدی‌گری را در دستور کار قرار داده‌اند.

مجله حقوق ما، برای بررسی بیشتر این مسأله در ایران با شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل گفت‌وگو کرده است.

به نظر شما علل گسترده‌ی روز افزون پدیده بی‌خانمانی (کارتن خوابی) در شهرهای ایران در سال‌های اخیر چیست؟

نخست باید بر این نکته اشاره کرد که پدیده بی‌خانمانی در ایران صرفاً منحصر به خیابان خوابی نیست و این پدیده شقوق مختلف دارد. یک وجه از بی‌خانمانی در ایران مربوط به افرادی است که به دلیل نداشتن سرپناه، با پرداخت هزینه، شب‌ها در اتوبوس می‌خوابند. همچنین، بخش دیگری از افراد بی‌خانمان در کشور، افرادی را در برمی‌گیرد که از شهرستان‌های اطراف تهران برای مسافرخشی به تهران آمده‌اند و به علت گرانی مسکن، اجباراً در اتومبیل خود شب را به‌صبح می‌رسانند.

پشت بام خوابی هم نوع دیگری از

آمار دقیقی از شمار افراد بی‌خانمان در ایران یا افرادی که در رسانه‌ها به صورت غیر رسمی، تحت عنوان «کارتن‌خواب» معرفی شده‌اند، وجود ندارد. در سال‌های اخیر در ایران، اتخاذ سیاست‌های نادرست دولت و شهرداری برای تامین خانه برای شهروندان از یک‌سو و تشدید بحران اقتصادی، رواج گسترده فساد ساختاری در نهادهای دولتی و افزایش شکاف طبقاتی در کنار اوج‌گیری روند خصوصی‌سازی رانتی از سوی دیگر، منجر به گران‌تر شدن قیمت مسکن و فراگیرتر شدن بحران بی‌خانمانی در کشور شده است.

طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه قیمت آپارتمان‌های مسکونی در شهر تهران در دی‌ماه ۱۴۰۲ به عدد ۴۶.۵ درصد رسیده و در حال حاضر میانگین قیمت هر متر آپارتمان در محله‌های مرکز شهر به حدود ۸۱ میلیون تومان می‌رسد.

افزایش لجام گسیخته قیمت مسکن در ایران سبب شده است تا بسیاری از شهروندان در سال‌های اخیر به محله‌های حاشیه شهرها نقل مکان کرده یا به ناچار به جمع کثیر افراد بی‌خانمان در ایران ملحق شوند.

بی‌خانمانی است که در سال‌های اخیر در ایران رواج یافته است. هرچند در این شکل از بی‌خانمانی، افراد در خیابان نمی‌خوابند اما به دلیل نداشتن مسکن، با پرداخت اجاره، روی پشت بام ساختمان‌ها می‌خوابند.

شکل دیگر بی‌خانمانی در ایران، گور خوابی است. بدین معنی که عده‌ای از شهروندان بی‌خانمان به‌ویژه در زمستان، در گورهای خالی و از پیش حفاری شده می‌خوابند. همه موارد یاد شده، شقوق مختلفی است که تحت نام خیابان خوابی و بی‌خانمانی می‌توان آنها را بررسی کرد و تمام این موارد ناشی از عدم استطاعت مالی بخشی از شهروندان برای تأمین مسکن است.

متأسفانه این پدیده در اکثر شهرهای ایران وجود دارد اما در پایتخت، به‌علت گرانی فوق‌العاده مسکن، بیش از پیش دیده می‌شود.

در سال‌های اخیر حتی افرادی که زمانی قادر به اجاره خانه در محلات مرکزی شهرها بوده‌اند هم به دلیل افزایش اجاره بهای خانه، مرحله به مرحله مجبور شده‌اند مسکن خود را به مناطق حاشیه‌ای شهر ببرند چرا که در آن مناطق میزان اجاره خانه‌ها ارزان‌تر است. یا در حالتی دیگر، بخشی از خانواده‌ها به خاطر افزایش تورم یا از دست دادن شغل، از لحاظ درآمدی ضعیف‌تر شده‌اند و بالاچاره در آپارتمان‌هایی با خانواده‌های دیگر و به‌صورت اجاره نشینی اشتراکی زندگی می‌کنند.

همچنین، بخش دیگری از شهروندانی که در سال‌های اخیر فقیرتر شده و توان تأمین

مسکن ندارند، مجبور شده‌اند در کانکس‌ها یا در اتوبوس‌ها زندگی کنند. از دیدگاه من، همه این موارد مشمول پدیده خیابان‌خوابی و کارتن‌خوابی است چرا که نشان از آن دارد که بخش قابل توجهی از مردم به دلیل فقر، نتوانسته‌اند مسکن مناسب برای خود فراهم کنند.

در سال‌های اخیر، نهادهای دولتی در ایران، گرم‌خانه‌هایی برای شهروندان بی‌خانمان ایجاد کرده‌اند اما از آنجائی که تعداد این گرم‌خانه‌ها بسیار اندک است، پاسخگوی جمعیت زیاد بی‌خانمان‌ها نیست. حکومت ایران به‌طور کلی، نتوانسته است مساله بی‌خانمانی در شهرها را حل کند و به‌همین دلیل روز به روز بر ابعاد این پدیده و انواع آن افزوده شده است.

در ایران، قانون مشخصی برای ساماندهی افراد بی‌خانمان تصویب و اجرا نشده است. قوانین و آئین‌نامه‌های دیگری هم که در نهادهای دولتی ایران رایج است، به‌طور ضمنی به افراد خیابان‌خواب تحت عناوینی نظیر «معتادان متجاهر» و «افراد متکدی» اشاره کرده و رفتار این افراد یعنی خوابیدن در خیابان را تحت عناوین یاد شده، جرم انگاری کرده است. از دیدگاه شما چرا حکومت ایران از یک‌سو وجود بی‌خانمان‌ها را انکار می‌کند و از

سوی دیگر آنها را به‌عنوان مجرم شناسایی کرده است؟

حکومت جمهوری اسلامی با انکار افراد بی‌خانمان (کارتن‌خواب) قصد دارد صورت مساله را پاک کند و همچنین می‌خواهد به مردم ایران و مردم جهان القاء کند که وضعیت نامناسب زندگی شهروندانی که در خیابان می‌خوابند، ناشی از شرایط بد اقتصادی کشور نیست بلکه این شهروندان، عده‌ای مجرم هستند که برای ادامه فعالیت‌های خلاف قانون خود چنین روشی را برای زندگی انتخاب کرده‌اند. حال آنکه مساله اصلی چنین نیست. باید گفت، بسیاری از افرادی که در خیابان می‌خوابند، معتاد نیستند و فقط انسان‌هایی هستند که توان مالی برای تأمین مسکن مناسب ندارند. به‌نظر من، تلاش حکومت ایران برای پاک کردن صورت این مساله، باعث گسترش چنین پدیده‌ای شده است.

حکومت جمهوری اسلامی مانند کودکی است که وقتی از پدیده‌ای می‌ترسد، چشم خود را بر آن می‌بندد تا آن پدیده را نبیند و سران حکومت فکر می‌کنند، با ندیدن، آن مساله محو می‌شود درحالی که صورت این مساله پاک شدنی نیست.

در عین حال، ما بلیم یادآوری کنم که پدیده خیابان‌خوابی یا کارتن‌خوابی یا هر نام دیگری که بر این پدیده گذاشته‌اند، پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ هم به‌صورت بسیار نادر در ایران وجود داشته است اما با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و افزایش تورم و ضعف شدن توان مالی مردم، می‌توان به قاطعیت گفت تعداد این گونه افراد شاید صدها برابر بیشتر شده است. این یکی از نتایج حکومتی است که در طول ۴۵ سال گذشته تاکنون قادر نبوده احتیاجات اولیه مردم نظیر دسترسی به یک سرپناه و مهم‌تر از آن ایجاد مشاغلی که مردم بتوانند نیازهای را تأمین کنند، فراهم کند.

در سال‌های اخیر نهادهای دولتی در ایران به‌طور غیر رسمی «طرح عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب» را آغاز کرده‌اند. به نظر شما اجرای چنین طرح‌هایی درباره زنان کارتن‌خواب چه پیامدهایی به‌دنبال خواهد داشت؟ ارزیابی شما از اتحاد چنین رویکردهایی از سوی حکومت جمهوری اسلامی چیست؟

چنین اقداماتی، یک جنایت آشکار علیه زنانی

نیروی انتظامی، مسئولیت‌هایی هم تعریف شده است، اما از آنجا که در این حوزه هم مثل خیلی حوزه‌های دیگر یا کم‌کاری می‌شود یا اغلب کارها به شکل ناقص انجام میشود، در بیشتر این موارد این تلاشها به جایی نمی‌رسد.

برای بررسی این پدیده، مسایل حول و حوش آن، مشکلات بی‌خانمان‌ها و اقدامات انجام شده برای رفع مشکلات آنان، با علیرضا خیراندیش، وکیل دادگستری گفتگویی انجام داده‌ایم که در ذیل می‌آید:

توصیف از افراد بی‌خانمان چیست؟ در بحث حقوقی، این مساله چگونه تعریف شده است؟

بی‌خانمان یا بی‌سرپناه در کل به کسانی گفته می‌شود که خانه و سرپناه دایمی برای زندگی و آسایش ندارند. افراد بی‌خانمان اغلب از داشتن و حفظ مسکن مناسب، امن و ایمن و متعارف، محروم هستند. به این افراد در جامعه ایران، کارتن‌خواب هم گفته می‌شود. البته یه مدتی هم بولد شد که به آنها گورخواب هم می‌گفتند. تعریف قانونی برای بی‌خانمانی در کشورهای مختلف، متفاوت است، اما تعریف قانونی در ایران وجود ندارد. دولت ایالات متحده آمریکا در سرشماری بی‌خانمان‌ها، آنان را اینگونه تعریف کرده است: افرادی که در مکانهای عمومی یا خصوصی می‌خوانند که برای کاربری غیر از خوابیدن متعارف انسان طراحی شده است. همانطور هم که گفتیم در ایران، بی‌خانمانی تعریف قانونی ندارد و به واسطه پیوند با تکدی‌گری و اعتیاد، حتی جرم هم محسوب می‌شود.

افراد بی‌خانمان شامل چه گروه‌های



سیروان منصوری

مقدمه:

بی‌خانمانی به شکلی از زندگی گفته می‌شود که افراد فاقد توان مالی کافی برای زندگی در سرپناه متعارف یا معتادین به مواد مخدر و یا در برخی موارد گدایان و متکدیان، برای ادامه زندگی به آن روی می‌آورند و عبارت از زندگی در هر مکانی است که غیر از مکانهای معمول و متعارف برای یک زندگی انسان است. بی‌خانمان‌ها، لزوماً افراد بزهکار یا مشکل‌دار نیستند، هرچند ممکن است در میان آنان افراد خاطی و مجرم هم وجود داشته باشند. البته باید تاکید کرد که صرف زندگی بدون سرپناه و به عنوان بی‌خانمان خود زمینه ایجاد بزه و امکان انجام اعمال مجرمانه توسط این افراد را افزایش می‌دهد. این امر مختص به کشور خاصی نیست و در اشکال گوناگون در کشورهای مختلف وجود دارد، اما در ایران برخلاف بیشتر کشورها، بی‌خانمان‌ها یا از امکانات و حمایت دولتی محرومند یا حمایت‌ها به شکلی نیست که امکان یک سرپناه حداقلی را برای این قشر فراهم کند و حتی در مواردی که مساله بی‌خانمانی با بحث موارد مخدر گره بخورد، جرم‌انگاری هم شده است. هرچند در قوانین ایران تعریف مشخص و واضحی از بی‌خانمانی ارایه نشده و قانون مشخصی هم در این زمینه نیست، اما در برخی بخشنامه‌های دولتی و وزارت‌خانه‌ای به تامین حقوق آنها اشاره شده است و برای برخی نهادهای دولتی از جمله شهرداری‌ها، بهزیستی، وزارت کار،

حقوق بی‌خانمان‌ها در قوانین ایران

گفت و گو با علیرضا خیراندیش



اجتماعی میشوند؟ و این گروه‌های تضمین‌هایی در قوانین برای احقاق این اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟ حقوق وجود دارد؟

در قوانین ایران، افراد معلول و ناتوان، بی‌سرپرست، مجهول‌الیهویه، در راه مانده، گم شده، متواری، افراد نیازمند، متکدیان غیر حرفه‌ای، ولگردان حرفه‌ای، همه در یک قانون و در یک گروه جمع‌آوری شده‌اند. ویژگی مشترک همه افراد فوق‌الذکر، این است که به تنهایی توان اداره زندگی خودشان را ندارند و دولت، خانواده، نهادهای خیریه و غیردولتی باید به این افراد کمک کنند تا بتوانند یک زندگی شرافتمندانه را در آینده در پیش بگیرند. این توصیف مشترک برای تمامی مواردی که توسط قوانین ایران در یک ردیف قرار گرفته‌اند، صادق است. اما در مورد بی‌خانمانی به طور خاص می‌توان این نکته را گفت که به افرادی گفته می‌شود که کارتن خواب هستند که این کارتن خواب‌ها ممکن است در مخروبه‌ها، در خانه‌های تیمی و یا حتی در گورها هم آنها را یافت. پدیده گورخوابی هم پدیده‌ای بود که مدتی در فضای مجازی ایران بولد شد و توجه رسانه‌ها را به خودش جلب کرد. بی‌خانمان‌ها هم مثل بقیه گروه‌هایی که ذکر شد، توانایی اداره زندگی شخصی خود را به تنهایی ندارند و احتیاج به کمک دارند. ویژگی مشترک همه آنها هم این است که یک مکان و ماوای مناسب و دایمی برای زندگی ندارند و ممکنه هر جایی و هر مکانی را به عنوان مکان زندگی انتخاب کنند، در حالیکه آنجا اصلا مکان زندگی نبوده است.

حقوق اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، معیشتی و ... این افراد در قوانین چگونه تعریف شده است؟ چه

مسئولیتی بر عهده دارند، ولی عملاً به وظایف خود عمل نمی‌کنند و حقوق بی‌خانمان‌ها مثل حقوق اقتصادی، بهداشتی و آموزشی رعایت نمی‌شود. در نهایت بیشترین حقوقی که رعایت می‌شود مربوط به معتادین متجاهر است که وارد کمپ شوند و ترک کنند. کلاً میشود گفت شاید شغلی یادشان بدهند اما حمایت بخصوصی، مگر توسط نهادهای غیردولتی یا خیرین، انجام نمی‌شود.

موانع قانونی بر سر راه ساماندهی بی‌خانمان‌ها کدامند؟ نقش و دخالت نهادهای دولتی و غیرانتفاعی دخیل در این نابسامانی به چه شکل است؟ و حقوق بی‌خانمان در چه اشکالی تضييع ميگردد؟

بزرگ‌ترین مانع قانونی در این زمینه، این است که تعریفی از بی‌خانمانی در قوانین ایران وجود ندارد. تا زمانی هم که تعریفی نداشته باشیم نمی‌توانیم به طور اخص به حقوق این افراد بپردازیم. مانع جدی بعدی این است که در قوانین موجود، بی‌خانمانی در پیوند با تکدی‌گری و معتادین متجاهر و ولگرد، جرم شناخته شده است و مورد پیگرد قضایی قرار می‌گیرد، در نتیجه به جای اینکه این افراد مورد حمایت قرار بگیرند، مورد تعقیب قضایی قرار می‌گیرند. بزرگ‌ترین نقش را هم در این زمینه مجلس بازی می‌کند، چرا که با تصویب قوانین می‌تواند در این زمینه مشکلاتی مانند عدم حمایت را حل کند و حتی تعریف قانونی بی‌خانمانی را ارائه کند و با این تعریف و تصویب قوانین به سود آنها، دفاع از حقوق این افراد را آسان‌تر کند. حقوق بی‌خانمان‌ها در مواردی مانند عدم آزادی در انتخاب سبک زندگی، عدم تامین مسکن مناسب، عدم تامین غذا و آب شرب موردنیاز و حتی عدم دسترسی به دارو و موارد پزشکی و موارد بسیاری دیگر مانند اینها، تضييع می‌شود.

چه ارگان‌ها و یا نهادهایی مطابق قانون مسئول رسیدگی به وضعیت بی‌خانمان‌ها و حل مشکلات و معضلات آنان هستند؟ نحوه نظارت بر امور این دستگاهها به چه شکل است؟

در مصوبه سال ۱۳۷۸، یازده دستگاه مسئولیت‌های مختلف در این زمینه به عهده گرفتند؛ شهرداری، بهزیستی، کمیته امداد، دادگستری، فنی و حرفه‌ای، زندانها، بیمه سلامت، تامین اجتماعی، فرمانداری و حتی ماده شانزده مبارزه با مواد مخدر که نیروی انتظامی را مسئول دستگیری افراد بی‌خانمان و معتادین متجاهر می‌کند. نحوه نظارت بر این دستگاه‌ها هم هر کدام به شکل‌های متفاوتی است و ممکن است توسط مجلس، شورای شهر، دولت، شهرداری و جاهای دیگر نظارت شود. اتفاق خوب و مثبتی هم که در این زمینه افتاده، این است که سازمانهای مردم‌نهاد و غیردولتی وارد این حوزه شده‌اند و در کنارش هم شهرداری‌ها مخصوصاً با کمک به طرح «گرم‌خانه» ها موثر بوده‌اند که این گرم‌خانه‌ها هم در زمستان‌ها مخصوصاً در سطح شهر تهران، برای افراد بی‌خانمان، جای خواب، حمام، استحمام و غذا تامین می‌کند و این باعث شده که به این افراد کمک کنند و عملاً نهادهای غیردولتی هستند که بیشترین رسیدگی

سیروان منصوری

سامانی، « حقوقدان، به گفتگو نشستیم:

مقدمه:

توصیف از افراد بی‌خانمان چیست؟ در بحث حقوقی، این مساله چگونه تعریف شده است؟

بی‌خانمانی داستان یک زندگی است، در وصف افراد بی‌خانمان میتوان گفت که اساسا بی‌خانمانی مترادف با بی‌پناهی و نداشتن خانه و سرپناه است. بی‌خانمان‌ها کسانی هستند که بنا به دلایلی، زندگی در خیابان، پارک، زیر پله‌ها، بیغوله‌ها، گورستان‌ها، پشت‌بام خانه‌ها، و حتی اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه عمومی را انتخاب می‌کنند. در ایران معمولا به بی‌خانمان‌ها، کارتن‌خواب هم گفته می‌شود. بی‌خانمانی نوعی آسیب اجتماعی است که به دلایلی از قبیل فقر، اعتیاد و ترک خانواده، منجر به ماندن در فضاهای عمومی میشود. در حال حاضر ما شاهد هشت شکل از بی‌خانمانی هستیم که در واقع بدیل اجاره‌نشینی خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر شده است. در واقع میتوان گفت به واسطه غفلت از سیاست‌های حمایت از مستاجرها و خانواده‌های کم‌درآمد فاقد مسکن و در نتیجه شکست سیاسی در این حوزه، هشت شکل، بدیل اجاره‌نشینی شده است. بی‌خانمانی معضلی است که به اشکال گوناگون در کشور پدیدار شده است: که از پشت‌بام‌خوابی، اتوبوس‌خوابی، ماشین‌خوابی، گورخوابی، و یا هم‌خانگی یک یا چند خانواده در یک واحد مسکونی را در بر می‌گیرد. کارشناسان حوزه اقتصاد و مسکن معتقد هستند که وضعیت مسکن به شدت بحرانی است، بسیاری از خانوارها و افراد طبقه متوسط هم به تدریج وارد عرصه اتوبوس‌خوابی و

بی‌خانمانی مختص به گروه اجتماعی خاصی نیست، بی‌خانمانی همیشه ناشی از فقر نیست، بی‌خانمانی به نوعی یک معضل مدرن است که جامعه جهانی را درگیر کرده است. عوامل زیادی از جمله: بیکاری، نداشتن پول برای خرید یا اجاره خانه، اعتیاد، و در نتیجه از کار افتادن و به حاشیه رانده شدن، بدهکاری، ورشکستگی، مهاجرت بی‌رویه مردم روستا به شهر و عدم کنترل جمعیت. در پدید آوردن این مساله دخیل هستند. در قوانین ایران ما تعریف مشخصی از بی‌خانمانی نداریم. بی‌خانمانی به تنهایی جرم نیست، اما به واسطه پیوند آن با تکدی‌گری و اعتیاد، جرم‌انگاری شده است. در چند اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی به مساله مسکن اشاره شده است: از جمله ماده دوازده اصل سوم که دولت را موظف به رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و بیمه میکند. اصل سی و یکم این قانون نیز میگوید: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. اما تجربه نشان داده است که این اصول تاکنون نتوانسته است که ضمانت اجرایی داشته باشند.

درباره مساله بی‌خانمانی و تبعات آن، مسائل و مشکلات بی‌خانمان‌ها، وظایف دولت و نهادهای ذیربط در این قضیه و تاثیرات بی‌خانمانی بر روی اجتماع و تبعات آن با «بهاره خدابخش

حقوق بی‌خانمان‌ها در قوانین ایران

گفت‌وگو با بهاره خدابخش سامانی



کارتن خوابی می‌شوند. فقر مادی و فقر معنوی دو عامل اصلی پدیده بی‌خانمانی هستند. سطح فقر در جامعه به حدی گسترش پیدا کرده است که به لایه‌های میانی جامعه رسیده و طبقه متوسط را هم درگیر اضمحلال کرده است.

در قوانین ایران، ما تعریف مشخصی از بی‌خانمانی نداریم. بی‌خانمانی به تنهایی جرم نیست، اما به واسطه پیوند آن با تکدی‌گری و اعتیاد، جرم‌انگاری شده است. در چند اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی به مساله مسکن اشاره شده است، از جمله ماده دوازده اصل سوم که دولت را موظف به رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و بیمه می‌کند. اصل سی و یکم این قانون نیز می‌گوید: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. اما تجربه نشان داده است که این اصول تاکنون نتوانسته‌اند که ضمانت اجرایی داشته باشند.

افراد بی‌خانمان شامل چه گروه‌های اجتماعی می‌شود؟ و این گروه‌های اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟

بی‌خانمانی مختص به گروه اجتماعی خاصی نیست، بی‌خانمانی همیشه ناشی از فقر نیست، بی‌خانمانی به نوعی یک معضل مدرن است که جامعه جهانی را درگیر کرده است. فرق اساسی بین بی‌خانمانی در ایران با جوامع پیشرفته از لحاظ خدمات اجتماعی است، اینکه خدمات درمانی، نگهداری، ترمیم و بازگشت به اجتماع

از سوی نهادهای مسئول در مورد بی‌خانمان‌ها اجرا و جدی گرفته نمی‌شود. عوامل زیادی از جمله: بیکاری، نداشتن پول برای خرید یا اجاره خانه، اعتیاد، و در نتیجه از کار افتادن و به حاشیه رانده شدن، بدهکاری، ورشکستگی، مهاجرت بی‌رویه مردم روستا به شهر و عدم کنترل جمعیت. در پدید آوردن این مساله دخیل هستند. ما در پدیده بی‌خانمانی شاهد محدودیت سنی نیستیم. فقر معنوی و مادی به اتفاق یا به تنهایی زمینه‌ساز بروز بی‌خانمانی هستند. بی‌خانمان‌ها از اقشار مختلفی تشکیل شده‌اند که از جمله: سالخوردگان، میان‌سالان، جوانان، نوجوانان، کودکان، مردان و زنان. همجنس‌گرایان، افراد تحصیل کرده، افراد سالم، افراد دارای بیماری‌های خطرناک، افراد متعلق به دهک‌های پایینی یا متوسط جامعه هستند. اما یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که سه عامل اساسی در بی‌خانمانی افراد نقش دارند: ۱- اعتیاد و مصرف مواد مخدر، ۲- ناتوانی‌های جسمی و روانی، ۳- مهاجرت و عدم تطابق با محیط جدید. اعتیاد آنقدر با کارت‌ن‌خوابی و بی‌خانمانی عجین شده است که بر اساس عقاید غالب، کارت‌ن‌خوابها، معتادانی هستند که از خانواده و دوستان خود طرد شده‌اند. در حقیقت بی‌خانمانی، فرهنگ، جنسیت، گرایش و سن نمی‌شناسد و همچنین ویژگی‌های فردی به طور مشخص عامل بی‌خانمانی یا پیشگیری از آن نیستند. مهم‌ترین عامل بی‌خانمانی، فقر است، اما همه بی‌خانمان‌ها، افراد فقیر نیستند.

بی‌خانمان‌ها ویژگی‌های مختلفی دارند؛ افرادی که به واسطه معلولیت ذهنی و جسمی بی‌خانمان شده‌اند، افرادی که دارای بیماری‌های روحی و

روانی هستند، زنان و کودکانی که بر اثر فقر به تن‌فروشی روی آورده‌اند، بزهکارانی که طرد شده از اجتماع هستند، افراد مجهول‌الیهویه، افراد متواری، افرادی که درگیر اعتیاد هستند.

چه ارگان‌ها و یا نهادهایی مطابق قانون مسئول رسیدگی به وضعیت بی‌خانمان‌ها و حل مشکلات و معضلات آنان هستند؟ نحوه نظارت بر امور این دستگاهها به چه شکل است؟

در سال ۱۳۸۲ با انتشار خبر مرگ چهل کارت‌ن‌خواب در آذرماه همان سال در جلسه‌ای اضطراری میان نیروی انتظامی و شهرداری تهران مقرر شد که بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده توسط کمیسیون فرهنگی-اجتماعی شورای شهر، نیروی انتظامی نسبت به شناسایی و جمع‌آوری متکدیانی که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند اقدام کند. همچنین شهرداری نیز با کمک سازمان بهزیستی، اسکان آنها را بر عهده گرفت، اما بنا به گزارش‌ها و تنها پس از چندی، نهادها و سازمان‌های درگیر در این مساله، آن را بر دوش دیگری انداختند و این در حالی بود که میزان جمعیت کارت‌ن‌خوابها در همان سال افزایش پیدا کرده بود، بنابراین موقت برای کارت‌ن‌خوابها فراهم گردد، چادرهایی که بعدا بدل به گرم‌خانه شدند تا کارت‌ن‌خوابها ساماندهی شوند که به علت عدم ساماندهی مشخص برای حل این معضل به نتیجه‌ای نرسیدند. طبق آیین‌نامه هشتاد و دومین شورای عالی اداری استان‌ها در سال ۱۳۷۸، ساماندهی بی‌خانمان‌ها و متکدیانی خیابانی در شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر جمعیت بر عهده حدود یازده سازمان و نهاد گذاشته شد. در این آیین‌نامه مسئولیت ایجاد مجتمع‌های اردوگاهی

حقوق اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، معیشتی و ... این افراد در قوانین چگونه تعریف شده است؟ چه تضمین‌هایی در قوانین برای احقاق این حقوق وجود دارد؟

قانون‌گذار برای حقوق شهروندی بی‌خانمان‌ها نسبت به افراد دیگر جامعه استثنایی قابل نشده است، یعنی اینکه بی‌خانمان‌ها هم از همان حقوق شهروندی برخوردارند که قانون‌گذار برای افراد عادی جامعه در نظر گرفته است، اما دولت برای حمایت از برخی بی‌خانمان‌ها تدابیر دیگری اندیشیده است، مثل مصوبه شورای عالی اداری سال ۱۳۷۸ برای شناسایی و جمع‌آوری افراد متکدی، که به موجب یکی از این مصوبات، وظیفه جمع‌آوری و اسکان معتادان خیابانی بر عهده سازمان‌های وابسته به وزارت رفاه و تامین اجتماعی قرار گرفته است. و یا میتوان به توافق میان شورای شهر تهران، شهرداری و همچنین نیروی انتظامی اشاره کرد که به واسطه آن، وظیفه شناسایی کارت‌ن‌خواب‌ها بر عهده شورای شهر و نیروی انتظامی قرار گرفت و شهرداری هم با کمک سازمان بهزیستی، موظف به اسکان آنها شد. قانون مبارزه با مواد مخدر نیز در بعضی از ماده‌هایش به این موضوع اشاره کرده است، مثل: ماده شانزده قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که به موجب این قانون مسئولیت نگهداری اجباری معتادان خیابانی متجاهر بر

بر عهده شهرداری است و در صورت ضرورت به تشخیص استاندار از سایر امکانات و اعتبارات استان نیز می‌تواند استفاده کند و اعتبارات مورد نیاز آن را از محل بودجه عمومی و کمک‌های مردمی تامین کند. همچنین شهرداری موظف است نسبت به شناسایی و جمع‌آوری و تحویل بی‌خانمان‌ها و متکدیان و ولگردها به مجتمع‌های اردوگاهی اقدام و نیروهای انتظامی در این راستا با شهرداری همکاری می‌کنند. سازمان‌های مسئول ساماندهی متکدیان خیابانی از جمله شهرداری، دادگستری، نیروی انتظامی، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی موظف هستند نماینده تام‌الاختیار خودشان را به مجتمع‌های اردوگاهی برای انجام وظایف دستگاه‌های مسئول معرفی کنند. اما در کل نهادهای مسئول در این مساله همواره به طور مشخص پیگیر و پاسخگو نیستند.

موانع قانونی بر سر راه ساماندهی بی‌خانمان‌ها کدامند؟ نقش و دخالت نهادهای دولتی و غیرانتفاعی دخیل در این نابسامانی به چه شکل است؟ و حقوق بی‌خانمان در چه اشکالی تضییع میگردد؟

در ارتباط با حقوق بی‌خانمان‌ها آنچه بیش از تمام کمی‌ها و کاستی‌های دیگر در این پدیده‌ای که نوظهور هم نیست به چشم می‌آید، خلاء قانونی است که ما داریم. شاید در مجموع در این زمینه ما چند قانون دست و پا شکسته‌ای داریم که به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسند که آن هم به طور مستقیم به حقوق این قشر از افراد جامعه نپرداخته است و این ضعف قانونی خودش یکی

از دلایلی است که به تنهایی می‌تواند مانعی بر سر احقاق حق بی‌خانمان‌ها باشد. بنابراین مانع قانونی که ما داریم همین نداشتن قانون شایسته و بایسته‌ای هست که این افراد را زیر چتر حمایت خودش قرار دهد. در زمینه ساماندهی افراد بی‌خانمان ما دو ارگان مهم را می‌توانیم نام ببریم که وظیفه قانونی‌شان رسیدگی به امور بی‌خانمان‌ها است: یکی شهرداری و دیگری سازمان بهزیستی است. شهرداری از سال ۱۳۸۳ به دنبال فوت تعدادی از بی‌خانمان‌ها در تهران، در پارک‌ها با احداث چادر، سرپناه موقتی برای این افراد ایجاد کرد که در سال‌های بعد گرم‌خانه‌ها ساخته شدند که نام رسمی این گرم‌خانه‌ها هم مددسرا می‌باشد. اگر بخواهیم از خدمات گرم‌خانه‌ها بگوییم میتوان به حمام، لباس، سه وعده غذا، اقامت شبانه‌روزی، و یک سری خدمات اجتماعی مثل مصاحبه و بازدید از منزل و پیگیری مشکلات اولویت‌دار مددجویان و همچنین اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و بازتوانی مددجویان، دوره‌های آموزشی مثل آشنایی با انواع مواد مخدر و عوارض مصرف آن، آموزش پیشگیری از ابتلا و شیوع بیماری‌های رفتاری اشاره کرد. افراد از سه طریق در گرم‌خانه‌ها پذیرش می‌شوند: یک به صورت خود معرف، دوم توسط واحدهای فوریت‌های خدمات اجتماعی و سوم معرفی توسط شهروندان از طریق تماس با سامانه. امرار معاش و کسب درآمد اکثر مددجویان گرم‌خانه‌ها، جمع‌آوری ضایعات و زباله‌گردی در سطح شهر است که این هم خودش به یک معضلی تبدیل شده است. شهرداری تعدادی مددسرای موقت هم برای شبهای سرد سال برای آن تعداد

از بی‌خانمان‌هایی که تمایل به حضور در گرم‌خانه‌ها ندارند، تدارک دیده است که در واقع تعدادی اتوبوس است که به نوعی تجهیز شده‌اند تا در اختیار این افراد قرار گیرند. ما در تهران دو سامان‌سرا داریم که به ارائه خدمات به اسکان افراد بی‌خانمان و معتاد می‌پردازد که اسکان این افراد توسط شهرداری تهران از طریق اخذ حکم مرجع قضایی صورت می‌گیرد که مددجویان پس از پذیرش و اسکان در سامان‌سراها و گذراندن

یک دوره‌ای برای بهبودی تا زمانی که به حد مناسبی از سلامت برسند، می‌توانند از این اماکن استفاده کنند و بعد باید از مرکز ترخیص شوند. قرن ما، قرن سازمان‌های مردم‌نهاد و ان‌جی. اوها (سازمان‌های غیردولتی) است که از طریق مردم اداره می‌شود و سازمان‌های مدنی هستند و خیلی دور از انتظار نیست که ما در ایران هم این سازمان‌ها و موسسات را داشته باشیم. ما در ایران این سازمان‌ها را در قالب موسسات خیریه داریم که از طرف مردم حمایت مالی می‌شوند و البته که تعدادشان اندک است، ولی در ارتباط با بی‌خانمانی موسسات غیردولتی داریم که عمده فعالیتشان در ارتباط با مدرسانی به افراد بی‌خانمان است. اگر در ارتباط با نقش سازمان بهزیستی در ساماندهی افراد بی‌خانمان بخواهیم سخن بگوییم، یکی از وظایف بهزیستی، نگهداری متکدیان و معتادان متجاهر است که توسط شهرداری و نیروی انتظامی شناسایی و معرفی می‌شوند. البته به عملکرد بهزیستی در این زمینه نقدهایی هم وارد است که پاسخ این سازمان به این انتقادات، نداشتن تامین اعتبار برای ساخت مراکز نگهداری بیشتر با امکانات

بهبتر، همچنین مشارکت بیشتر بخش خصوصی

و همکاری نهادهای مختلف می‌باشد. اینکه چه قدر این سازمان‌ها و ارگان‌ها نقشی در عدم ساماندهی و سازماندهی افراد بی‌خانمان دارند را به قطعیت نمی‌توان گفت، چون که سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی به علت نوپا بودن و مشکلاتی که در سر راهشان قرار دارد، از جمله بحث مالی قضیه، طبیعی است که کارنامه در خوری نداشته باشند و خیلی نمی‌توان به آن انتقادی وارد کرد.

اما در مورد تضییع حقوق بی‌خانمان‌ها، می‌توانیم بگوییم که اولین چیزی که مسبب تضییع حقوق این افراد است، نوع نگاه جامعه به این قشر از اجتماع است که می‌تواند در پایمال شدن حق و حقوقشان بی‌تاثیر نباشد. اینکه مردم کوچه و خیابان این آدم‌ها را خودآگاه یا ناخودآگاه طرد می‌کنند و به چشم انسان‌های بی‌مصرف به آنها نگاه می‌کنند که این در پایمال شدن حقوقشان خیلی موثر است. به طور مثال ما در سال ۱۳۹۴ طرح عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب را از طرف دولت داشتیم که فطری‌ترین حقوق طبیعی زنان بی‌خانمان را خدشه‌دار می‌کرد، با اینکه تاکنون شاهد اجرای این طرح نبودیم، اما این طرح توهین‌آمیز و ضد حقوق بشری طرفدارانی هم داشت و کماکان دارد. این یک نمونه از ضایع شدن حق و حقوق شهروندی و انسانی افراد بی‌خانمان است. حق تحصیل، حق اشتغال، حق کار، حق برخورداری از بهداشت این افراد به شدت در معرض خطر و آسیب است و ضربه‌ای که به امنیت و کرامت انسانی این افراد در اجتماع وارد می‌شود، ضربه عمیقی است که می‌تواند برای آنها خیلی مشکل‌ساز باشد.

بی‌خانمان‌ها، بی‌صدایانی به دلیل فقر مجازات می‌شوند گفت‌وگو با سعید پیوندی



جواد عباسی توللی

اخیر در ایران تحت عنوان پدیده کارتن خوابی از آن یاد شده است، نوک کوه یخی است که دنباله آن پیدا نیست. بدین معنی که عدم برخورداری از مسکن یا نداشتن یک سرپناه مستقل در جامعه ایران، ابعاد مختلفی دارد که فقط بخش‌هایی از آن نظیر پدیده کارتن خوابی به آسانی قابل مشاهده است.

نتایج کارهای میدانی و همچنین، گزارش‌هایی که در رسانه‌ها منعکس شده است، نشان می‌دهد که این پدیده تنها افرادی که در خیابان می‌خوابند را شامل نمی‌شود بلکه کسانی هم که ناچارند با بستگان خود در یک محیط کوچک و محدود زندگی کنند یا افرادی که پشت بام اجاره می‌کنند یا در زیرزمین‌ها زندگی می‌کنند و مواردی از این دست را می‌توان مشمول این پدیده در ایران در نظر گرفت.

در ایران، دو مشکل اساسی در این زمینه به‌طور هم‌زمان وجود دارد. از یک طرف دولت به‌ضرورت ساخت مسکن برای تهیدستان توجه نکرده و حتی سازوکارهای حمایتی برای افراد کم درآمد و بدون درآمد هم پیش بینی نشده است. از طرف دیگر، به دلیل کاهش قدرت خرید مردم و گران شدن بیش از حد مسکن در کشور، اساساً دست‌یابی به یک مسکن برای شاغلانی که دست‌مزد متوسط جامعه را هم دریافت می‌کنند، تقریباً ناممکن شده است و اکثریت شهروندان اگر حتی همه دست‌مزد خود را برای تأمین مسکن اختصاص بدهند، باز هم سالیان طولانی لازم است تا صاحب مسکن شوند.

بنابراین، به دلیل وجود همین بحران چند سویه است که به تدریج صف کسانی که توانایی خرید یا حتی اجاره مسکن را ندارند طولانی تر می‌شود و از میان بی‌مسکن‌ها قشر جدیدی در حال رشد

بنا بر آمارهای رسمی، در طی سال‌های اخیر، رکوردشکنی‌های پیاپی تورم و افت ارزش پول ملی، گسترش بیکاری در کنار رشد اندک دست‌مزدها نسبت به تورم در ایران، آمار فقر مطلق در کشور و افرادی که از امکانات اولیه زندگی محروم شده‌اند را به شدت افزایش داده است.

مرکز آمار ایران در جدیدترین گزارش خود که در دی ماه ۱۴۰۲ منتشر کرده است از گران شدن بی‌سابقه قیمت مسکن به‌ویژه در پایتخت خبر داده است. گران شدن قیمت مسکن در کشور و به دنبال آن عدم تأمین حق سرپناه برای بخش قابل توجهی از شهروندان ایرانی از سوی حکومت جمهوری اسلامی سبب شده است تا هزاران نفر از مردم به اشکال مختلف بی‌خانمانی نظیر گور خوابی، پشت بام خوابی، اتوبوس خوابی و خیابان‌خوابی روی آورند.

«علل بروز گسترده و روزافزون پدیده بی‌خانمانی در شهرهای ایران چیست؟ چه راهکاری برای مقابله با این پدیده در ایران وجود دارد؟ کشورهای توسعه‌یافته تر از ایران، نظیر کشور فرانسه، چگونه با این بحران مقابله کرده‌اند؟»

مجله حقوق ما با طرح پرسش‌هایی از این دست با سعید پیوندی، جامعه‌شناس، استاد دانشگاه لورن فرانسه و مدیر انستیتو علوم انسانی «ایران آکادمیا» گفت‌وگو کرده است.

از دیدگاه شما علل بروز گسترده و روزافزون پدیده بی‌خانمانی (کارتن خوابی) در شهرهای ایران چیست؟

پیش از هرچیز باید گفت آنچه که در سال‌های

است که برای زندگی جایی جز خیابان ندارد.

برخی از موسسات خیریه در ایران در طول سال، شماری از افراد بی خانمان را تحت پوشش خود دارند. شما نقش چنین موسساتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا حضور آنها برای تغییر وضعیت موجود و وادار سازی دولت به تأمین حقوق بی‌خانمان‌ها، منفی است یا مثبت؟

به نظر من بهتر است برای اینکه بدانیم چنین موسساتی در حل بحران مسکن در یک کشور چه نقشی می‌توانند داشته باشند، باید از بُعد مقایسه‌ای به این مسأله نگاه کنیم.

برای نمونه در فرانسه، سازمان‌های غیر دولتی‌ای وجود دارند که کار اصلی آنها کمک به افرادی است که مسکن ندارند. باید گفت، هیچ‌یک از این موسسات قادر به حل مسأله مسکن نیستند چرا که مسکن، یک کالای گران قیمت است و مانند غذا، پوشاک و خدمات اولیه بهداشتی و نظایر آن نیست که این موسسات بتوانند از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی یا حتی کمک‌های دولتی، آن را میان بی‌خانمان‌ها توزیع کنند.

از آنجائی که مسکن کالای بسیار گران قیمتی است، دولت و موسسات بسیار بزرگ باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند یا اینکه باید تسهیلاتی فراهم شود تا افراد بتوانند از یک مسکن مناسب برخوردار شده و از عهده مخارج آن برآیند.

در فرانسه بیشتر نقش سازمان‌های مردم نهادی که در زمینه تأمین مسکن برای بی‌خانمان‌ها فعالیت دارند این است که ابعاد این بحران را به اطلاع جامعه و به اطلاع مسئولان دولتی برسانند

یا کمک‌های اداری برای افراد بی‌خانمان جهت تقاضای مسکن از دولت انجام دهند.

برای نمونه، فعالیت بنیاد خیریه متعلق به «پدر پییر» کشیش نیکوکار فرانسوی که بیشترین فعالیت را در این زمینه دارد، این است که به دولت کمک کند تا خانه‌های اجتماعی‌ای که متعلق به دولت و شهرداری‌ها هستند را به نحو بهتری میان تهیدستان و افراد بدون مسکن توزیع کنند یا به افرادی که درآمد کافی برای تعمیر مسکن خود ندارند، کمک کنند.

در ایران هم مسکن کالای بسیار گرانی است و سازمان‌های غیر دولتی و حتی سازمان‌هایی که شبه دولتی و وابسته به شهرداری هستند هم نمی‌توانند کاری که فقط از عهده دولت برمی‌آید را انجام دهند. حتی ساختن یک مدرسه از طریق موسسات خیریه یا به‌دست افراد خیر در ایران امکان‌پذیر است اما چنین موسسات یا افراد خیر نمی‌توانند مشکل هزاران نفر از افراد بی‌خانمان در جامعه را حل کنند و دولت باید برای رفع این مسأله وارد عمل شود.

موضوع بر سر این نیست که دولت مسکن بسازد و میان مردم توزیع کند. بحث بر سر اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای کمک به گروه‌های تهیدست است.

در ایران، دولت ابراهیم رئیسی وعده بکلی غیر واقعی ساخت یک میلیون مسکن در سال داده است اما ظاهراً پس از گذشت دو سال و نیم از روی کار آمدن این دولت، حتی بخش کوچکی از این وعده نیز تاکنون محقق نشده است. دولت وظیفه خود در قبال سیاست‌گذاری هوشمندانه بر کاهش بحران مسکن برای شهروندان را انجام نداده است.

این دسته از شهروندان مانند شیء یا ابزاری هستند که مجازند با آنها هر رفتاری داشته باشند.

برای مثال، زمانی که نهادهای دولتی، معنادان را با اجبار به کمپ‌ها می‌برند و برای ترک اعتیاد آنها روش‌های خشن و تحقیرآمیز را به کار می‌گیرند، نخستین سوالی که به میان می‌آید این است که این زیر پا گذاشتن حقوق اولیه انسانی این افراد و تحقیر آن‌ها در جامعه چه معنایی دارد؟

در واقع، این روش برخورد با افراد معتاد در ایران به این معناست که همه انسان‌ها در جامعه ایران از حقوق برابر برخوردار نیستند و کسانی از حقوق کمتری برخوردارند و حکومت بخود اجازه می‌دهد هر اقدامی در مورد آنها انجام دهد.

همین مثال در مورد عقیم‌سازی زنان بی‌خانمان هم صدق می‌کند. پیش فرض نهادهای دولتی این است که اگر زنان و مردان کارتن‌خواب احتمالاً رابطه جنسی‌ای داشته باشند و صاحب فرزند شوند، به تعداد فقرا و بی‌خانمان‌های ایران اضافه می‌شود و آن‌گاه حکومت با یک خانواده کارتن‌خواب مواجه است. به همین دلیل اقدام به عقیم‌سازی زنان بی‌خانمان می‌کند.

در واقع، دولت به جای آنکه اصل مسأله یعنی بی‌خانمانی را حل کند و این موضوع را در نظر بگیرد که برخورداری از مسکن، یک حق انسانی، یک نیاز حیاتی و یک ضرورت است، دست به اقداماتی می‌زند که نه تنها ضد انسانی است که تحمیل نوعی مجازات مضاعف به کسانی است که قربانی محرومیت در این یا آن زمینه اند.

به بیان دیگر، زنان کارتن‌خواب و بی‌خانمان در ایران، یک‌بار به دلیل فقر و نداشتن مسکن مجازات می‌شوند و یک‌بار هم به‌صورت بی‌رحمانه و در برخی موارد حتی بدون اینکه اطلاع داشته باشند،

از دیدگاه من، یکی از ویژگی‌های دولت ابراهیم رئیسی و حتی دولت‌های قبل از او در جمهوری اسلامی، فرار از مسئولیت و توجیه کردن مداوم بی‌عملی و کم‌کاری خود است. این دولت‌ها بیشتر حرف زده‌اند تا اینکه بطور واقعی گام‌هایی برای کاهش بحران مسکن بردارند. پروژه معروف مسکن مهر احمدی نژاد شاید مهم‌ترین اقدام دولتی بود. اما این طرح هم اشکالات زیادی داشت و نتیجه آن انبوه ساختمان‌های بدون کیفیت و بدون امکانات در گوشه و کنار کشور بود. دولت‌ها توانایی ساخت و توزیع مسکن در سطح بسیار گسترده را ندارند، اما آنها می‌توانند با سیاست‌های درست، اعطای وام ارزان، واگذاری زمین، امکان ساخت مسکن در سطح انبوه و مواردی از این دست است و کمک‌های بسیار هوشمندانه خرید یا اجاره مسکن برای تهیدستان را آسان‌تر کنند.

در سال‌های اخیر نهادهای دولتی در ایران به‌طور غیر رسمی «طرح عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب» را آغاز کرده‌اند. به نظر شما اجرای چنین طرح‌هایی درباره زنان کارتن‌خواب چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟ ارزیابی شما از چنین رویکردی چیست؟

به نظر من، در وهله اول باید به این پرسش پاسخ داد که یک دولت چگونه باید با شهروندان خود با هر موقعیت و شرایطی که دارند، برخورد کند؟

نهادهای رسمی در ایران به شهروندانی که دچار مشکلاتی نظیر اعتیاد، نداشتن مسکن و مشکلات مشابه آن هستند، به عنوان یک شهروند عادی نگاه نمی‌کنند بلکه مسئولان دولتی گمان می‌کنند

عقیم شده و کیفر می‌بینند چراکه دولت تصمیم گرفته است تا بدون در نظر گرفتن کوچک‌ترین معیارهای انسانی و حقوق بشری، این زنان را عقیم کند تا تعداد بی‌خانمان‌ها زیاد نشود.

این نوع روش‌ها را تنها می‌توان در دهه‌ها و قرون گذشته در حکومت‌های توتالیتر و حکومت‌های کاملاً سرکوبگری که هیچ اعتنایی به حقوق انسانی و برابری انسان‌ها نداشته‌اند، سراغ گرفت.

در ایران اما نه تنها در حال حاضر با چنین رویکردهایی مواجهیم بلکه متأسفانه رسانه‌ها و جامعه هم به اندازه کافی از خود برای دفاع از حقوق بی‌صدایان و بی‌قدرت‌ها در جامعه حساسیت نشان نمی‌دهد.

در واقع، انگار جامعه هم با یک نگاه بی‌تفاوت یا در برخی از موارد تحقیرآمیز و به‌عنوان شهروند درجه دومی که از حقوقی برخوردار نیستند با بی‌خانمان‌ها برخورد می‌کند.

به‌عبارت دیگر، بی‌خانمان‌ها به خاطر نداشتن مسکن و به‌دلیل فقیر بودن از طرف نهادهای دولتی مجازات می‌شوند و هم‌زمان سکوت و بی‌تفاوتی جامعه هم به نوعی رنج مضاعفی را به این گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌کند.

به‌نظر شما اساساً چه راهکاری برای مقابله با این پدیده در ایران وجود دارد؟

مسلمانان بحران بی‌خانمان‌ها در کشورهای دیگری غیر از ایران هم وجود دارد. برای نمونه، در خیابان‌های شهرهای بزرگ فرانسه هم می‌توان به کسانی برخورد که در زیر یک چادر زندگی می‌کنند. بخشی از این افراد مهاجرانی هستند که بطور

می‌پردازد نیز در این کشور وجود دارد. به‌بیان دیگر، دولت یک بار با ساختن این خانه‌ها و بار دیگر با پرداخت کمک هزینه مسکن به افراد کم‌درآمد به آنها کمک می‌کند.

همچنین، در فرانسه کمک هزینه مسکن عمومی هم وجود دارد. بدین معنی که شهروندان به‌ویژه جوانانی که درآمد بالایی ندارند، می‌توانند از این کمک هزینه مسکن برخوردار شوند. کمک هزینه مسکن کمتر از نصف یا یک سوم اجاره پهای خانه را دربر می‌گیرد و صاحب‌خانه‌ها هم گاه به همین اعتبار به آنها خانه اجاره می‌دهند. کار دیگری که دولت انجام می‌دهد، ضمانت اجاره خانه برای جوانان است. همچنین می‌توان به وام بدون بهره اشاره کرد که با کمک دولت به افراد کم‌درآمد برای تهیه مسکن داده می‌شود. اینها همه راه‌حلهایی است که در فرانسه وجود دارد. با وجود این راه‌حل‌ها هم بحران مسکن در فرانسه کاملاً حل نشده است و همین پدیده نشان می‌دهد که برای تامین مسکن مطلوب، نهادهای عمومی باید پیوسته در جستجوی سیاست‌ها و راه‌حل‌های مناسب باشند.

حال اگر بخواهیم وضعیت کشورمان را با سایر کشورها مقایسه کنیم، می‌توان گفت در ایران به‌صورت تاریخی، به جز خانه‌های سازمانی‌ای که شرکت نفت، شرکت راه آهن یا نهادهای مشابه در اختیار کارکنان خود قرار می‌دادند، کمتر سیاست اجتماعی منسجمی از سوی دولت برای تأمین مسکن وجود داشته است. بحران گسترده کنونی مسکن شاید زمینه را برای شکل دادن به یک سیاست جدید مسکن و کمک به تهیدستان فراهم آورد.



در فرانسه را می‌توان شامل راهکارهای مختلفی دانست که در رابطه با گروه‌های خاص شکل گرفته‌اند. این سیاست‌ها هم مربوط به ساخت مسکن اجتماعی می‌شود و هم کمک‌های گوناگون برای اجاره و یا خرید مسکن را در برمی‌گیرد.

برای مثال، تعدادی خوابگاه تحت عنوان «خانه کارکنان جوانان» به جوانانی که از خانواده خود جدا شده‌اند و هنوز دستمزدشان برای اجاره یک خانه مستقل کافی نیست، اختصاص داده شده است. دولت، این خوابگاه‌ها را با هزینه بسیار کم به جوانان اجاره می‌دهد.

علاوه بر آن، خانه‌های اجتماعی که اجاره پهای پایینی دارند و بخشی از این اجاره را هم دولت

غیر قانونی به فرانسه آمده‌اند و بقیه هم فرانسوی‌های تهیدستی هستند که بخاطر از دست دادن کار یا فقر نمی‌توانند به مسکن مناسب دسترسی داشته باشند. از طرف دیگر، گروه اجتماعی خاصی هم وجود دارد که بیشتر معتاد به مشروبات الکلی هستند و بیشتر در فضای آزاد زندگی می‌کنند. این افراد به‌سادگی قابل جذب به جامعه نیستند و به‌دشواری می‌توان آنها را به جامعه بازگرداند. با این وجود اما زمانی که هوا سرد می‌شود، نهادهای رسمی با اجبار، تمام این افراد را به ساختمان‌های ویژه و گرم منتقل می‌کنند تا از سرما مصون بمانند.

سیاست کمک به افراد کم‌درآمد در حوزه مسکن

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net